

جواهر القرآن

امام محمد غزالی

بکوشش سید حسین خدیوجم

زکریا خان صاحب
سید حسین خدیوجم
۱۳۶۱

ضمن، هرگاه که با دانشوران آشنا شدم، یا از مطلب تازه‌ای آگاه گشتم، رنج جانکاه غربت و دوری زن و فرزند تا حدی برابم هموار شد؛ بدین شکرانه، گاهی لحظه‌ای به فکر نشستم و به غزلهای خواجه شیر از دل بستم تا باورم گردد که «حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست....»

پس اگر بیماری و فرسودگی دوران کهولت نتوانسته‌اند مرا از تلاش و کوشش باز دارند، جای شکستی نخواهد بود، زیرا عقیده دارم که با نیروی دانشجویی و سرمددوستی و امیدواری، انجام هر کار دشوار، آسان می‌شود و کسانی که به لطف حق از این نیروها بهره‌ور گردند، مانند آزادگان، پیوسته دست در کار دارند و دل با یار. ^۱ بیش از بیست جلد ترجمه، تألیف و تصحیح، و دهها مقاله و سالها تدریس، حاصلی عمر پر بار خدیوجم، معلم گرامی است. بیشتر آثار وی، اعم از ترجمه یا تصحیح، از مأخذ مهم به شمار می‌رود؛ مهمترین آنها تصحیح هفت جلد کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی است که پانزده سال از عمر خود را برای تحقیق و تصحیح آن صرف کرده و حتی مرگ فرزند ۲۳ ساله‌اش نتوانست وقفه‌سهمی در کار او ایجاد کند. چون روش کار آن مرحوم می‌تواند راهنمای همه پژوهندگان در تصحیح متون کهن باشد، به سخن وی گوش فرا می‌دهیم خدیوجم پس از معرفی و ارزیابی چهارده نسخه خطی از ترجمه احیاء علوم الدین چنین گفته است:

«... پس از تلاشهای بیگیر و تحمل رنج سفرهای دور و دراز، تا این تاریخ به تصویر چهارده نسخه خطی از چهار ربع عبادات و عادات و مهلکات و منجیات» این ترجمه دست یافته‌ام که نسخه‌های دو ربع «مهلکات و منجیات» متعلق به کتابخانه ملی قاهره است و از لحاظ نفاست و امانت برای من منحصراً یگانه.

به یاد استاد فقید، دکتر سید حسین خدیوجم

دکتر علی سلطانی

کسی که به آرزوی خود رسیده باشد، با خاطری آسوده، پای قناعت در دامن کشیدم و چشم به نوشته‌های استادان بزرگ دوختم تا دل، از سرچشمه دانش اندکی سیراب گشت و اندیشه نیرو گرفت و قلم، دست‌آموز شد. چون کشت امید به خرمن رسید، گاهی خود نوشتم و زمانی ترجمان سخن دانشوران سرشناس و پیشرو شدم. در نزدیکی مرز چهل سالگی، دریافتم که تنها کتاب و کتابخانه نمی‌تواند خوراک قلم را تأمین کند؛ ناگزیر به سفرهای دور و دراز پرداختم. در آسیا و اروپا و افریقا از دیدار شهرهای بسیار بهره‌ور گشتم. هر کجا دانشوری فرزانه یافتم، برای استفاده، به ادب در برابرش زانو زدم. در هر شهر به سراغ موزه و کتابخانه و دیگر مراکز فرهنگی رفتم؛ تا آنجا که حال و مجال، رخصت می‌داد، از پرسش و جستجو باز نایستادم. در

«پس از ۵۹ سال زندگی که بیشتر آن با رنج جهانگردی و شور دانش‌اندوزی و نوآوری و شاگردپروری همراه بود، سرانجام در اوج و ارستگی و پارسایی و برخوردارگی از شهرت و شرافت علمی، نغمه دل‌انگیز ارجعی الی ربک... گوش دلش را نواخت و بسا اطمینان، گونه بندگی بر خاک زادگاه خویش نهاد.»

این سخنان را خدیوجم درباره امام محمد غزالی بیان کرده است. اما به تمامی درباره خود او نیز صادق است. شرح زندگانی این بزرگمردان از این جهت سودمند است که می‌تواند برای تشنگان زلال دانش و معرفت، راهنمایی روشن باشد و به شیفتگان کمال، نشان دهد که راه رسیدن به گلزار مقصود از خارستان رنجها، بیخوابیها و کوششها می‌گذرد و جز این، راهی نیست. خدیوجم در شرح حال خویش چنین گفته است:

«به سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در شهر مقدس مشهد، زندگیم آغاز شد؛ در خاندانی همانند خاندان غزالی با درس خواندن و کار کردن، از کودکی به جوانی رسیدم. در آغاز جوانی، گذران زندگی دشوار بود و شوق دانستن، بسیار؛ ناگزیر روزها تن به کار دادم و شبها دل به کتاب سپردم. چون تنی سالم و نیرومند دلی مشتاق و پُر امید داشتم، تا بیست سالگی در چند فن و صنعت، کارگری ورزیده گشتم و در کار علم، دانش‌آموزی نخواستم.

پس از سالها پسرکاری و کم‌خوابی، سرانجام به آغاز راه دلخواه رسیدم و در زمره دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد جای گرفتم و در این دوره، از راهنمایی استادان دانا و پارسا و دلسوز، بهره‌ها بردم و با دوستان یکدل و یکر زبان همگامی نمودم. گذرگاه دانشگاه را با شور و شوق فراوان پیمودم تا به خلوتگه کتابخانه راه یافتم. در این جا، همچون

از میان نامه‌ها

با این همه، به بیاری تصویر نسخه‌های فراهم شده، چاپ انتقادی دلخواه از این کتاب به شیوه علمی - که در نزد مصححان متون کهن، رایج و مرسوم است - امکان‌پذیر نشد. پس، نمایانگر برای آن که این غیر ممکن از میان برمی‌خیزد، به ابتکار خویش راه تازه‌ای در پیش گرفتیم؛ یعنی، نسخه موزه بریتانیا را در چاپ «ربع مهلکات» اساس فرار دادم و علاوه بر نسخه مختصر ترکیه، از چاپهای متعدد متن عربی احیاء علوم الدین - که تعداد آنها در مصر و ایران و ترکیه و هند، تا این روزگار بیش از بیست چاپ می‌شود - سه چاپ کهن بولاق و سنگی تهران و هند، و دو چاپ کتاب الشعب و المكتبة التجاریة مصر و شرح ده جلدی مرتضی زبیدی به «اتحاف السآده» را برگزیدم و از آنها برای تکمیل برخی افتادگیها و روشن ساختن موارد مشکوک، یاری جستیم و قسمتهای اضافی موجود در دیگر نسخه‌های خطی یا ترجمه خودم را، اگر اندک بود در میان [] نهادم و اگر مفصل بود با علامت * مشخص نمودم و به جای کلمات مکرر، سه نقطه (...) نهادم. ضمناً با افزودن پاورقیهای لازم، از موارد ابهام‌پرده برگرفتم تا برای خواننده جای تردید باقی نماند.

تبت شماره سوره‌ها و آیه‌های قرآنی در پاورقیها برای آن است که چون مترجم در موارد بسیار، از ترجمه آیات قرآنی خودداری کرده است، احتمال دادم این کار برای کسانی که بخواهند به اصل قرآن رجوع کنند، نوعی صرفه‌جویی در وقت خواهد بود....»

پس از این گفتار، خدیوچم به شرح ارزشهای کتاب احیاء علوم الدین و شرح زندگانی و آثار غزالی پرداخته است. در گذشت دکتر سید حسین خدیوچم برای فرهنگ و ادب ایران ضایعه‌ای بزرگ است. خدایش بیامرزد.

- ۱ - سید حسین خدیوچم، مقدمه احیاء علوم الدین، چاپ دوم، ج ۱ ص ۱۰۹، یا اختلاف «۵۹» به جای «۵۵».
- ۲ - همان کتاب، ص بیست و هفت.
- ۳ - همان کتاب، مصر چهارده و پانزده.

برادر حسن فرهنگ‌ساز

دستورنامه‌های لامپران

نامه شما در اختیار مسئولان گذاشته شد ان شاء الله که مورد توجه قرار گیرد.

از تاجران و نویسندگان

مجموعه‌های عربی نوشته‌اند

«خواهشمندم توجه بیشتری به دستور زبان فارسی بفرمایید و مطالب بیشتری در این زمینه چاپ کنید.»

از کرمان گویه‌بستان

مجموعه‌های عربی نوشته‌اند

«چنانچه مقدور است آدرس ناشران «دستور عبدالرسول خیام‌پور» و «استاد جلال‌الدین همایی» را برایم بنویسید.»

۱ - آدرس ناشر دستور مرحوم دکسیر خیام‌پور: تیریز بازار شیشه‌گر خانه کتابفروشی تهران، تلفن ۲۲۷۳۲

۲ - آدرس ناشر دستور پنج استاد (استاد همایی و دیگران): تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب

ماژنوران، شهرستان نور، آقای محمد کریمیان

«یکی از خوانندگان «رشد آموزش ادب فارسی» هستم، با عرض پوزش، می‌خواستم بگویم که کسر بعضی از صفحات مسجده را اختصاص به دانش‌آموزان بدهید، بهتر است، گرچه همین هم فایده زیادی دارد.

خواهش دوم من این است که در قسمت معرفی کتاب، کتابهایی را که به درد دانش‌آموزان می‌خورد، مشخص کنید، تا ما تهیه کنیم.»

آقای حسین حقیری در اسلام

می‌خواستم چند کلامی به درددل مختص که پانزده سال برای بچه‌های این آب و خاک متن و شعر می‌خوانم و انشاء تصحیح می‌کنم و قواعد دستور زبان فارسی می‌گویم و به زعم دانش‌آموزان مقاطع مختلف بد هم نمی‌گویم، برسید. چون به شغلم علاقه‌مندم می‌توانم با افتخار بگویم شغلی موروثی است، مقالات، مصاحبه‌ها، و همه مطالب مجله عزیز رشد ادب فارسی را دقیقاً مطالعه می‌کنم. مصاحبه با